

(۲)

(

۱

۲

(۱

(۱۱

(۱۲۱

(۱۲۳

(۱۳۸

(۱۴۱

(۱۵۴



کتابخانه مجلس شورای ملی

فیلموتیت



شماره ثبت کتاب

۴۴۴۲۶

۵۱۹۱

کتاب حضرت امیرالمؤمنین

مؤلف امیرالمؤمنین علیه السلام

موضوع

شماره اختصاصی (۶۲) از کتب (خطی) اهدائی

تیمار سر لشکر مجید فیروز (ناصرالدوله) بکتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی اهدائی
۶۲	

فهرست اقیانامها

صفحه	
(۱)	اقیانامه رله امیر حضرت محمد مصطفی
(۱۰)	اقیانامه چاهه آتارال
(۱۱)	اقیانامه آراوه
(۲۴)	اقیانامه شمشاد ابرار
(۵۴)	اقیانامه قد
(۶)	اقیانامه شمشاد
(۶۰)	اقیانامه جمع بحر
(۷۲)	اقیانامه شرباب
(۷۶)	اقیانامه چراغ برق دلفن
(۸۳)	اقیانامه رله عربستان

صفحه	
(۹۱)	اقیانامه دفینا - دریا
(۹۹)	اقیانامه فرخ صبیحة
(۱۰۶)	اقیانامه کاسک
(۱۱۰)	اقیانامه چوبش
(۱۱۳)	اقیانامه بیه جعفر
(۱۲۲)	اقیانامه کافور نر
(۱۲۶)	اقیانامه کج دایم کسکند
(۱۳۸)	اقیانامه رله انزلی دگر
(۱۴۴)	اقیانامه رله فیاض بنیر دگر
(۱۵۴)	اقیانامه چراغ گاز

صفحه

(۱۵۸)

خانه نامه اکاداد دره
خانه در ایران برهه مالک خرد

اقتیاز راه آهن حضرت العظیم ^{صدیق}

درست علیه بسید فخری بطال شهر فرزند شریک کاروان

مقتن از سبزه خط راه آهن با این طراوت راه و العظیم را سید

مخرج کبریت ختمان پیر زمین سبب لفظه سخن برده لفظه

بطال یا شریک کاروان پیر درست علیه اراکله حق مفضل سخن

علی را در دایره دهن خط برزید بنی الهی سید

دینار درست علیه اراکله حق کمر گفته را در دایره لفظه راه آهن را که

بشیر کمر گفته لفظه در خط و ف خوانده است کجه سخن ختمان و دایره

دینار راه برزید و ف سید و راه آهن کمر گفته در چوب آهن

لفظه را بشیر شهر در بار خط طراوت راه و العظیم ضربه سید

در تمام در یافت لفظه سخن و حق کمر گفته راه آهن برزید لفظه

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

اهمداهی

بکتابخانه مجلس شورای اسلامی

متعلقات راہ مہن

حضرت سید صاحب حضرت آفرین دام قلم او ای مریض ممداد
که این در دهنه شهادت را این با تمام فرامی رود در عین غیبت در
خط را که طهران ای حضرت علی بن عظیم تحریر کی نه کرد سر مدح در
ذکر در نقشه در یک نوار حضرت در دست نازل را اهر (کار)
در طهران کوی در دهنه قریح حضرت علی بن عظیم در مع که کال سر در
حضرت ممداد در دست برید در حرکت کرد خط را اهر در طهر
غیر سگونی چهره در الا خندق ممداد دارد در بر سگونی در خاک در
عبر غنای در سبب اهر بر دهنه شهادت و در نظر غنای در اهر
دارد با سبب سبب خفا خفا اهر کینه در دهنه با اهر در کینه
در است اهر ممداد طهران ای اهر قریح (شهادت در دهنه)
چهره در عرض را اهر با اهر در دهنه

۱۱۰

از کتب رزبه میر خط رآه از حسن اباد تقریباً پانصد پناه ذرع می باشد
 و بعد منقص بر پانصد ذاب علیه علیه از راه غزوة البره در کتب
 می گردد و تقریباً طول همه ادا آن منصد ذرع می باشد و در کتب آنکه
 حضرت علیه السلام در وقت نجات حضرت ابی طالب در آن کتب
 آمده اند بر نزل (گاری) تقریباً ششصد ذرع منقص و در کتب
 خط رزبه شش مبرک نیست و در کتب است سر عرض در کتب
 در جنب این خط واقع است نیمه قمری که از آن صدر خواهد
 و این زمین غایتش بر سر عقیقت است هر کس می رود در آن
 در کتب ابی طالب در آن کتب است در آن کتب است در آن کتب
 این کتب آن کتب
 اولاً
 ثانیاً
 ثالثاً

(9)

(1)

اقتیاز ناچار اربابان

سرکار عیضه ت فرستاده اند. ملک سحره اربان کسر از دایه
 دایه در تیفاع آله تفسیر من زحمت و فقه در ملک اربان
 و غیره سرور و در راجب فزان سول بکر طایر سحره
 سحره در دکت سرط فصل آیه یک کی ت اربان دار کله
 فقه بر سله کاد چاه در تفسیر با خبر دایه تفسیر آب حار
 با دایه غیر تکلف سحره فکند

فصل پنجم
 دایه تفسیر سحره است در طرف کی ل
 تاریخ با دایه این قره تانه سحره تخط سحره از دایه اربان
 سحره تانه رتبه دایه دایه ل سحره کی ت فقه کانه از
 باب سحره که با سحره چاه سحره سحره سحره طران

فصل ششم
 این چاه در تفسیر من تبه را در سحره سحره
 سحره دایه دایه دایه سحره سحره سحره سحره
 سحره

فصل هفتم
 این تفسیر تانه است سحره سحره سحره
 دکت طایر و سحره سحره سحره سحره سحره
 سحره سحره سحره سحره سحره سحره
 سحره سحره سحره سحره سحره سحره
 سحره سحره سحره سحره سحره سحره

فصل هشتم
 در سحره سحره سحره سحره سحره
 سحره سحره سحره سحره سحره سحره
 سحره سحره سحره سحره سحره سحره

فصل نهم
 دایه تفسیر سحره است در طرف کی ل
 تاریخ با دایه این قره تانه سحره تخط سحره از دایه اربان
 سحره تانه رتبه دایه دایه ل سحره کی ت فقه کانه از
 باب سحره که با سحره چاه سحره سحره سحره طران

فصل دهم
 این چاه در تفسیر من تبه را در سحره سحره
 سحره دایه دایه دایه سحره سحره سحره سحره
 سحره

عشر نفع حاصل آن بر دلست علی اراکین خواهی بود علی بن
 کاکر از آن دوائی حق ایچکنه مطایه و غیر باب و اینها در دوائی
 نفع است اگر چه بسیار در غیرین چیزیست و این نفع بزرگ
 شکر بود و این ب نفع حاصل آن بر دلست علی اراکین پیر دارد را که
 سادگی در حق حق چنانکه بزرگ است و در نفع حاصل
 بر دوائی و این کرم که سادگی شکر علی و غیره جواب است
 که بخورد و این کرم که از آن دوائی اراکین و اینها
 نفع است در حق و این که در حق و این که در حق
 بزرگ است و این که در حق و این که در حق
 کاکر از آن دوائی حق ایچکنه مطایه و غیر باب و اینها در دوائی
 نفع است اگر چه بسیار در غیرین چیزیست و این نفع بزرگ
 شکر بود و این ب نفع حاصل آن بر دلست علی اراکین پیر دارد را که
 سادگی در حق حق چنانکه بزرگ است و در نفع حاصل
 بر دوائی و این کرم که سادگی شکر علی و غیره جواب است
 که بخورد و این کرم که از آن دوائی اراکین و اینها
 نفع است در حق و این که در حق و این که در حق

در حق

دوازدهم قاز و سر کا را و به بهانه جوابی نفع است غیر حق و غیر
 نفع است در حق و این که در حق و این که در حق
 نفع است اگر چه بسیار در غیرین چیزیست و این نفع بزرگ
 شکر بود و این ب نفع حاصل آن بر دلست علی اراکین پیر دارد را که
 سادگی در حق حق چنانکه بزرگ است و در نفع حاصل
 بر دوائی و این کرم که سادگی شکر علی و غیره جواب است
 که بخورد و این کرم که از آن دوائی اراکین و اینها
 نفع است در حق و این که در حق و این که در حق
 نفع است اگر چه بسیار در غیرین چیزیست و این نفع بزرگ
 شکر بود و این ب نفع حاصل آن بر دلست علی اراکین پیر دارد را که
 سادگی در حق حق چنانکه بزرگ است و در نفع حاصل
 بر دوائی و این کرم که سادگی شکر علی و غیره جواب است
 که بخورد و این کرم که از آن دوائی اراکین و اینها
 نفع است در حق و این که در حق و این که در حق

در حق

بجز کتب معتبره برادر خود را که در این مکتب است برین
تقریر است آب و کتبه برادر را که پخته از کتب معتبره ایران را
در فصول امر را نیز مکتوب است و کتب خود را در خانه دارد

در کتب معتبره در کتب معتبره مکتوب است

فصل چهارم پس از تقصیر است در کتب معتبره

نقشه از قبیل جرحه و اندک و اطاعت است و جرحه کتب معتبره

بجز کتب معتبره در کتب معتبره برادر خود را که در این مکتب است

که در باغ و کتب معتبره است و کتب معتبره در کتب معتبره

خواه فرزند و یا غیره حقوق خود را در کتب معتبره

فصل پنجم چنانکه در کتب معتبره است و کتب معتبره

در کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

بجز کتب معتبره در کتب معتبره و کتب معتبره

مکتوب است و کتب معتبره در کتب معتبره

فصل ششم

در کتب معتبره

فصل هفتم در کتب معتبره و کتب معتبره

خواه کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

در کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

فصل هشتم در کتب معتبره و کتب معتبره

خواه کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

در کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

بجز کتب معتبره در کتب معتبره و کتب معتبره

فصل نهم در کتب معتبره و کتب معتبره

خواه کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

در کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

فصل دهم در کتب معتبره و کتب معتبره

خواه کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

در کتب معتبره و کتب معتبره در کتب معتبره

فصل یازدهم

(11)

(12)



ایقان نامه تراجمه

در ضمن سخنان و دایره دایره
ایران از دایره سرط و غیره
شرط اول
صاحب قلم خارج خود خط و
حالت و دایره خواهد داشت

در خیال و تفسیر و تدوین و
حق و غیره میدان و تفسیر و تدوین و
در خیال و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و

شرط دوم

حکمران و تدوین و تفسیر و تدوین و
حکمران و تدوین و تفسیر و تدوین و

شرط سیم

تمام خارج و تفسیر و تدوین و
بخت و تفسیر و تدوین و
ایران و تفسیر و تدوین و
در ضمن و تفسیر و تدوین و

شرط چهارم

خط و تفسیر و تدوین و
خط و تفسیر و تدوین و

شرط پنجم

در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و

شرط ششم

در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و
در دایره و تفسیر و تدوین و

(11)

(11)

ایقان نامه چیه بانک شاهی ایران

مقدمه
اینکه در این کتاب بیان شده است که این بانک

ایران در این روزگار در این کشور در این شهر
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

فصل اول

ایقان نامه
در این کتاب بیان شده است که این بانک

بانک شاهی ایران

۱۸۷۲

مقدمه
اینکه در این کتاب بیان شده است که این بانک

مرکز بانک
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

اقدامات مختلفه
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

ایران بانک
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

تقیدات
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

ایران
در این زمانه در این روزگار در این کشور در این شهر

نایاب است در جهان نیز غرض که هست باینکه بداند
در هر حال با نیت از تن بر کند یا بقیه را به هر یک قرض

فصل دوم

سرمایه
سرمایه باینکه است که در خاک نهفته است
میرد بکفش خواهد بود البته اندک در سهام خود خواهد بود باینکه
بر وقت نرسد خواهد داد بر وقت و بقیه وقت نرسد بقیه
فرانک یا در که میرد بکفش بصرح باینکه بزرگتر است مدخله
نترضا بقدر سرمایه در بخت و نیکو خواهد

طهران برکن پاریس

پیرزبورغ وینه

در صورت چنانچه دل بخواهد ان مالک رضع خواهد
ایستایم حاکم خواهد بود باینکه ایستایم در هم بخواهد نرسد
نتراند

باینکه بداند هر چه نیت در این سرمایه و در سرمایه خود باقی

فصل سوم

نشریه های بانک

باینکه بداند هر چه

حق مانع نیت نیت باینکه باینکه خواهد بود که بعضی از نیت
اندک خواهد بود و در آنجا که در هر که خواهد بود نیت
انفیس بر باینکه نیت خواهد داد که باینکه بداند
طه مع به بر باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت

مکملات نیت و در آنجا که مکملات طه باینکه نیت
در نیت الله باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت
در نیت نیت باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت

در هر که باینکه باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت
نیت باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت باینکه نیت

داده کردن رجاست باند با نافرمانی که می کند
عذر کردن بعلی بر عهد و در این است از دیگر کار و عمل
نفع و ضرر را در طبیعت دارد

ما نور محترم مخصوص

تأخیر خود را در باند است که در محترم خود است که عذر خواهی
را از خود می خواهی از قدرت باند جسد می کند در طبیعت
در این است باند بر روی این عذر خواهی که در

ما نور بزرگ است وقت دعوت بود بر حسب طبیعت و در این است
در این چنین در باند است که در این است که در این است
بند باند را در این است که در این است که در این است

فصل ششم این عذر خواهی است که در این است که در این است
باند با عذر خواهی است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

در این است که در این است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

فصل پنجم حایت دولت

چون عذر خواهی
که در این است که در این است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

در این است که در این است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

معاف بودن از مالیات

خود باند را در این است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

در این است که در این است که در این است که در این است
در این است که در این است که در این است که در این است

بانک به بابت بینه را نخواهد گرفت و بینه بینه

فصل ششم

اداره و جیمه بانک این در دولت

تأدیه است خزانه عاشر چه در این چه در غایب که بخواهد کرد
باران مقرر در دولت علیه با رجوع کند کماکان در این

حقوق که بار بانک را در این خود شن خوانند

قرض و وکروفرانک

دیه سرباه خود بانک بینه در شهر بکنده به بنگ که در این شهر
چهار هزاره بکنش بار است و در این شهر بکنش

عصمت سرباز قرض به چهار آن خود بکنش و بکنش
عصمت سرباز سرباز بابت صدر بکنش و بکنش
بر عصبانیت این بکنش بکنش بکنش بکنش

از این

شک

عده بران بانک این در بکنش

خاطر خواهد بود در این شهر بکنش بکنش بکنش
در این شهر بکنش بکنش بکنش بکنش

خاطر بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش
بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش

بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش
بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش

و وکروفرانک

بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش
بکنش بکنش بکنش بکنش بکنش

فصل هفتم

خصایف

در این شهر بکنش بکنش بکنش بکنش

چنانچه در هر صورت نفع قطع آنکه خدا بدست تو
 عیضت هر که در هر روز و یا بجز این باشد در صورت
 حقه نفع صورت نکرده در یک لکتر از صد هزار نفر
 چهارده نفر کفایت کند باینکه مجرب است و این معیار
 نایب است که کمتر از آن چه خود بزرگواران خود نموده
 و جز آنکه حق نیست بر چهارده نفر از آن بخرج حقه نفع هر یک نفر

فصل ششم

ضمانت

در ضمانت چهار نفر از هر یک نفر
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 باینکه کمتر از صد هزار نفر کفایت کند
 باینکه کمتر از صد هزار نفر کفایت کند
 باینکه کمتر از صد هزار نفر کفایت کند
 باینکه کمتر از صد هزار نفر کفایت کند

در هر روز

هر که در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این

فصل نهم

قوانین

در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این

فصل دهم

حمایت

در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این
 در هر روز و یا بجز این در هر روز و یا بجز این

دانشمند بکند برزخ و حیات بچون عینیت نهاده اند
 بکند هم بقدر میزد و قوتین هم در ملک و از جمیع بجز حق و تعالی
حکایت
 در صورتیکه چون کسی را بدین بیان
 مردم خفته و ظاهر کرده اند یک از طرفین یک با حکم غفلت خوانده
 برآورد و از آنکه قاطع خواهد بود در صورت عدم آفاقین حکم
 حکمگر نتواند خواند و غفلت بر زمین بکشد طاعتی خواهد بود

فصل یازدهم

معاون
 چه تمام با آن استخراج کرده و طبع ملک و در کار فرست
 بجا پادشاهت علیه بکند برزخ و در تمام برت این بجا
 آنرا مانع نیز نظر میدهند و تمام بکشد ملک و ایران
آهمن **مس** **سرب**
 در کار

ذوق **ذغال سنگ**
لفظ **ماگناز ایمانت**

ماگناز برآید چنانچه قیاس ذوق برآید و آنرا در کار
 در این کار چنانچه صفات این بجا بیاورد و در آن
 با خبر این بجا بیاورد و در آن بجا بیاورد و در آن
 خواهد داد و قیاس ذوق برآید و آنرا در کار
 و جواهرات و آن فلز بکشد ذوق در کار و آنرا در کار
 چنانچه غیر از این بجا بیاورد و در آن بجا بیاورد و در آن
 آنرا در جودت بچون عینیت نهاده اند و در آن
دست مزد
 غیر از این بجا بیاورد و در آن بجا بیاورد و در آن
 ضرر در تمام عینیت بجا بیاورد و در آن بجا بیاورد و در آن

درین سینه بجز عینیت است هر که در این سینه خواهد
 دولت علیه تمام یحیی در دست دارد باند ۱۱۰ خواهد کرد
 در آنکه از عینیت است در هر سینه که در دست برین سینه
 تمام سینه باند ۱۱۰ در سینه خود شروع در دایره اول
 نونه برین سینه خواهد خواند ۱۰ باند برین سینه
 نونه است در سینه خواهد خواند ۱۰ نونه که در
 بکه برین سینه باند ۱۱۰ در سینه خواهد خواند ۱۰

فصل دوازدهم

اراضی مجانی
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه

بهر تفرقه دولت علیه ایران باند ۱۱۰ خواهد کرد
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه

مساف از خرج

در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه

فصل سیزدهم

منفعت دولت

تمام سینه که باند ۱۱۰ در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه

رجعت بدولت

در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه
 در این سینه که در دست برین سینه

فصل تمهیدیه بابت شایه

ضمیمه ویم

شربت که بکند بنابر حجب ^{فصل} در حضور نوزده

این نیز بر است علیه احوال اداره نماید حجب نوزده که

جائز است در سه روز در غایت آن که فیروز ۳۰ روز

بدر کار بر نماید ^{۱۸۸۹} تحریر احوال و تقاضا

مهر و خنجر ^{فصل} بوج در تیر

در حضور خنجر

مهر و خنجر نوزده در تیر

عقبت ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار

فصل

فصل تمهیدیه بابت شایه

ضمیمه ویم

وضع رسم چهره در جبهه چهره در تیر ^{فصل} در حضور نوزده

این نیز بر است علیه احوال اداره نماید حجب نوزده که

سهرار خواه کید ^{۱۸۸۹} این عود بر بار ^{فصل} عقبت

عقبت چهره در تیر ^{فصل} در حضور نوزده

بهم برین ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

بوض ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

بخانه ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

جبهه ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

که ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

مهر و خنجر ^{۱۸۸۹} بابت بکند بر بار ^{فصل} عقبت

فصول صلاحیه

ضمیمه چهارم

این فصل نیز در کتاب دیگر در صحت آن وجه ضمیمه است
تفاوت در ترتیب و در طبع خواننده بود

فصل اول

در کتب صحیح در طریق خواندن در زیر بیست و یکم در کتاب
خواننده بود در کتاب دیگر خواننده بود

فصل دوم

باید دانست که در این کتاب در طریق خواندن در زیر بیست و یکم در کتاب
خواننده بود در کتاب دیگر خواننده بود
در کتاب دیگر خواننده بود

باید دانست که در این کتاب در طریق خواندن در زیر بیست و یکم در کتاب
خواننده بود در کتاب دیگر خواننده بود

فصل سیم

در این کتاب در طریق خواندن در زیر بیست و یکم در کتاب
خواننده بود در کتاب دیگر خواننده بود
در کتاب دیگر خواننده بود

فصل چهارم

در این کتاب در طریق خواندن در زیر بیست و یکم در کتاب
خواننده بود در کتاب دیگر خواننده بود
در کتاب دیگر خواننده بود

ثواب خواندن ده جلد در یک روز و هر یک از این
 یکصد و شصت طاهر کرد قمر از قطع کرد و بر یکدیگر در خود
 مخرجت و بعد از آن یک روز در هر روز یکصد و شصت
 طهر و ثواب گرفت ده جلد ختم در این روز و هر یک از این
 طاهر کرد و هر یک از این خبر چه حکمت خواهد بود
 این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 فرشته و اهل و هر یک از این که در این روز
 از این ثواب خواهد بود و هر یک از این که در این روز
 حکم هر روز را در این روز خواهد بود

فصل ششم

هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز

از هر یک که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز

و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز
 و هر یک از این که در این روز و هر یک از این که در این روز

سواد و خط مایونی در باب
بلیت بکتومانی

بربك فصرتم قارنهم بكنه انزل الهمزة على الراء
 اذن ركة بيت كمره وكون نسر بره ولى چو اى اى
 سلم كاكه اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى
 ندرت ساعدت ودر اى اى اى اى اى اى اى اى اى
 بربك اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى
 اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى اى
 حق نسر ودر اى اى اى اى اى اى اى اى اى
 بيت كمره وكون نسر بره ولى چو اى اى
 ۱۳۷
 ۲۲
 محمد

[illegible][illegible]

[illegible]

اتیاز نامه

فایده این کتاب حضرت ب هر فایده ای که باشد
درست علیه ایران از جانب این حضرت
درست بجمع میرسد و این در کمال
و کمال این کتاب در این کمال

فصل اول

درست علیه ایران در این کتاب
برابر است و در کمال و در کمال

فصل دوم

این کتاب در این کمال
درست بجمع میرسد و این در کمال

فصل سیم

درست علیه ایران در این کتاب
برابر است و در کمال و در کمال

فصل چهارم

این کتاب در این کمال
درست بجمع میرسد و این در کمال

فصل نهم

صاحب قیام نامه را پادشاه در عهد دولت شاه عباس
 در خفا در صدر راه از نفقت خالص که از او را در آن
 صبر نموده بودند در آن عیال حق خواهی داشت کنیز
 شین نماید که در خزان لاد و در خرج و خوراک
 نفع آن عیال را نمود بکنند طمع صاحب نماید

فصل ششم

حضرت است این قیام نامه در آن ایام
 چنان در شهرت است که آن عیال که در آن
 ایام چه از این عیال چه از آن عیال خالص
 در آن عیال حق خواهی داشت کنیز
 شین نماید که در خزان لاد و در خرج و خوراک
 نفع آن عیال را نمود بکنند طمع صاحب نماید

محرر

ایمان در توفیق دولت کشنده خیر است که در آن
 درگاه در توفیق دولت کشنده خیر است که در آن
 کار بجا است خود نمود این قدر نامه طبر و در وجه عیال

فصل هفتم

در آن عیال که در آن عیال خالص
 در آن عیال حق خواهی داشت کنیز
 شین نماید که در خزان لاد و در خرج و خوراک
 نفع آن عیال را نمود بکنند طمع صاحب نماید

فصل هشتم

در آن عیال که در آن عیال خالص
 در آن عیال حق خواهی داشت کنیز
 شین نماید که در خزان لاد و در خرج و خوراک
 نفع آن عیال را نمود بکنند طمع صاحب نماید

نقد میرد روز پر تاج خورشید درین حد و کجاست
را در تمام خاک است علیه ایران خط جیب خط جیب میرد
اولاً صاحب قیاز یا میرد خیر جیب حق

در دره در جیب اندک در دره را کجاست حق و در
دین این قیاز جیب در دره یا خواجه را کجاست این
ثانیاً نقد که بود در کجاست در کجاست
است علیه ایران که در کجاست در کجاست
ثالثاً در عرض صدر یا نیمه در نقد نیم

ذکر است صدر است در نفست خاص در جیب
اعین است میرد است در دره دره پر جیب

فصل ششم

میرد در کجاست که این قیاز یا جیب را جیب
بهره است در جیب صیر یا یک کجاست نقد
نقد

را در کجاست با دل جیب یا جیب است علیه ایران جیب

فصل هفتم

این است یا نیمه در کجاست ایران در کجاست در کجاست
در کجاست در کجاست یا جیب جیب است
علم آراست در کجاست یا جیب جیب است
در کجاست در کجاست

نقد در کجاست

میرد در کجاست

نقد

اقتیازنامه شیشه آلات

فین بن خورشید ب هفت مهر فخم علم آیین
 در علم دولت علیه ایران از جانب کمال حضرت
 امیران بن در خفا در معراج بصره بارک میران
 ریس امان در شهر رشت برین کز طالع آری
 زیر از طرف برادر کرد

فصل اول

دولت علیه ایران بسراحد در دولت یکدیگر
 در حق سلسله برادران تیره اندر غیر طرف
 درین در بجزه دیوانه است غیر بار حق الله
 در آنچه در حق با صانع است در تمام دولت
 ایران میداد

فصل دوم

فصل دوم

از کارهای تبار در جایی که صاحب بزرگوار
 میزدند است بشن دلی با طبع دولت علیه

فصل سوم

دولت علیه ایران صاحب بزرگوار در تمام
 برادران برادران در این کمال کارهای
 بر سر حق که در این در غیر در در حق علیه
 بابت در حق میران است در کارهای در
 اندک نیز در هزار و بیست و شش که در حق
 در آن در آنچه حق به خواه دولت

فصل چهارم

صاحب بزرگوار که در این در دولت بزرگوار

نیز از وقت شهادت غایب میگردانند یا آنکه هر که از قریه
 این شهر بود روزی یک بار تمام اهل آن را در پیش خود
 بفرستد و در آنجا در مورد آنست که طرفت و غیره
 با حق است یا نه و اگر خدای تعالی بخواهد که حق را
اولاً در عرض صد ساله در هر یک از این
 صد ساله از وقت شهادت در هر یک از این
ثانیاً قدر که بود در آن شهر تمام اهل آن
 همه آنست با حق است و خداوند آنرا در هر یک از این
ثالثاً صحت آنرا بر هر یک از این شهر در هر یک از این
 مدتی را که بخواهد در هر یک از این شهر در هر یک از این

فصل ششم

سودن این شهر را که در این شهر است و این شهر را که
 حوق است و الله است و این شهر را که در این شهر است
 قولی

نیز از وقت شهادت غایب میگردانند یا آنکه هر که از قریه
 این شهر بود روزی یک بار تمام اهل آن را در پیش خود

فصل هفتم

این شهر را که در این شهر است و این شهر را که در این شهر است
 در هر یک از این شهر در هر یک از این شهر در هر یک از این شهر
 بفرستد و در آنجا در مورد آنست که طرفت و غیره با حق است
 یا نه و اگر خدای تعالی بخواهد که حق را در هر یک از این شهر
اولاً در عرض صد ساله در هر یک از این صد ساله از وقت
 شهادت در هر یک از این شهر در هر یک از این شهر در هر یک از این
ثانیاً قدر که بود در آن شهر تمام اهل آن در هر یک از این
 همه آنست با حق است و خداوند آنرا در هر یک از این شهر
ثالثاً صحت آنرا بر هر یک از این شهر در هر یک از این شهر
 مدتی را که بخواهد در هر یک از این شهر در هر یک از این شهر

اقتیاز نامه شمع کچی

فیما بین بنی حضرت ب هر ف بهر فم علم آ این
 در علم دولت علیه اری از جانب که علم هر
 در حق فله در شمع بیع ما یون بن در سواد در
 در عیت بر کن کنه طهران ربیب فی زلفین بر کد کد

فصل اول

دولت علیه اری بمسودنی و دولت یاد کد اری
 بر اری شمع کچی شمع کچی و نام دولت علیه اری

فصل دوم

ایم کد فاخته یاد در کد که حبیب است
 بر هر حدت در و بیع دولت علیه اری
 قری

فصل سیم

دولت علیه اری حبیب است از جانب که علم هر
 در باب بصیرت که بر اری حق و دار شمع کچی
 کار فاخته در علم است بر هر حق کد که در اری
 دولت علیه اری است و حق کد که در است بصیرت
 کار فاخته در علم که در هر از هر و در است
 چیز که شمع کچی است از جانب که علم هر

فصل چهارم

صاحب است از آنچه را که شمع کچی و دار شمع کچی
 در هر حق در هر خود که بیع نام در کد است

فصل پنجم

صاحب است از آنچه را که در هر در هر که علم هر
 در هر در هر که در هر در هر که علم هر

ایستادانه چهره بود بر دوازده رت عید این حق قیام داد
 کینه باور قیاس نماید در غیر سال از دگر خرج ریزد
 غیر حق آن را به نفعش بماند و بسهم کند طبع صبر نماید

فصل ششم

طهرت است امر عارنه در میان سال عید
 و در انجمن سال سال سخن سخن در تمام خاک رت علیه
 چه کمر تبه خواجه کتب غفر و مخرج است در حق سخن
 سخن زود در تمام رت زود بر صاحب است از خواه بود
 و در کما در نصرت رت سال عید شروع در و در غرض
 کار خجسته نمود این قدر نه طهر و در وجه عارنه و خواه

فصل هفتم

در آن عید ایران لشکر عیار ثبت با هم
 در عیار آن حالت خود بند بر فرشته
 قلم بر

فصل هشتم

در آن عید سال عید ایران قیام در عید عیار خود
 با دگر چه بود بطوریکه در آن رت عید ایران کینه کرد خال سخن
 کچرا و خاک ایران عید نماید از رت لشکر عیار و بسوزد
 با آن صبر که این قدر نه در سخن مردم بر دگر تمام خال و پیش
 در سخن سخن و در تمام خاک رت عید آن قیام و در عید عیار

اولاً

صاحب است از این رت عید عیار و در عید عیار
 کینه سخن در عید عیار و در عید عیار و در عید عیار
 تا این عید کینه بود در آن عید در تمام عید

ثانیاً

عید ایران سخن کچرا و در عید عیار و در عید عیار
 در آن رت عید کینه کرد در عید عیار

ثالثاً

در آن رت عید کینه کرد در عید عیار
 در آن رت عید کینه کرد در عید عیار

فصل سوم

سید و نه از کمال تا ذیل است در این کتاب آنچه را که در حق او
بنا بر صریح یا یک کلمه در حق او نهاده اند از این جهت یاد شده است

فصل دوم

این کتاب در پنج باب است اول در بیان احوال و سیرت
در حدیث و روایات است باین جهت که در حدیث و روایات
افتم عظمی تا این حد که در حدیث و روایات
نیز در حدیث و روایات است در حدیث و روایات
مقدمه در حدیث و روایات است در حدیث و روایات

در حدیث و روایات است در حدیث و روایات
در حدیث و روایات است در حدیث و روایات

در حدیث و روایات است در حدیث و روایات

ضمیمه ایمازا مهابی کل خانه قد و بلو و چینی و شمع سازی

بنا بر حدیث و روایات است در حدیث و روایات
در حدیث و روایات است در حدیث و روایات
اولاً ثانیاً ثالثاً
در حدیث و روایات است در حدیث و روایات
در حدیث و روایات است در حدیث و روایات
در حدیث و روایات است در حدیث و روایات

در شهادت شایسته حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که
خاکمه در تاریخ اردو در طرف پنجاه اینج صورت تاریخ
نیافت در آن نه ضمیمه کامل نمی خواند

در صورت نظر ختمه در این تاریخ در آن نه در آن نه
نقص تاریخ مطبق من عتبار ندارد

در آن نه در آن نه ۱۷ ماه در آن نه مطابق ۲۹ ماه در آن نه
تاریخ نه در آن نه تاریخ ۲۴ ماه ۱۸۸۹

در آن نه در آن نه مطابق تاریخ ۸ ماه آو منه در آن نه
تاریخ نه در آن نه علی ایوان کیه در آن نه تاریخ

بعضی در آن نه تاریخ ۱۸ ماه آو منه در آن نه تاریخ
که بنوع است و پنجاه ۵۰ در آن نه تاریخ

تاریخ عتبه است در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

کیه بعضی در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ

ادام الله الیه فی ۱۵ محرم

بنوع است و پنجاه ۵۰ تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ
تاریخ در آن نه تاریخ در آن نه تاریخ

نور را نام نهاد رشتن چراغ برق چه راحت خواهد بود
مگر اینکه این راحت در حد امکان و در غیر مکر و غیر

فصل ششم

سبب دیگر چه که عامه در طهران چراغ گاز روشن است به آن قدر که
آنها دولت بدیده میباشند و حق فریاد میگویند چراغ برق

فصل هفتم

بایدت رسیدن کردن چراغها بر برق چه لذت دارد و چه
مردم بخورکن و چاک خازاد خواهد بود

فصل هشتم

بنا بر رشتن چراغ برق و تفنن تا نهادن این قرار است
در طهران و شهرها و ممالک محروسه و قطعی که چاک خواهد بود

خبر

فصل نهم

بایدت بنا بر این چراغ برق و تفنن و در تعاد است مگر که
در آن رخ عطار و ناله میری در بر کعبه است لخواهید

فصل دهم

تا آنکه است و است کارخانه الکتریک که در کنگره در طهران
در آن عرض دوازده فوت خواهد بود که آنچه را که بر آن غرض
فرستاده است و الله مکر که حق باز رس خواهد داشت

فصل یازدهم

در است و این راحت چاک خازاد را میباز خواهد بود که در
اینست از آن راه که بر مکر و کنگره و کنگره و در غرض چراغ برق
و تفنن یک یک به تشکیل کرد و کنگره و کنگره و کنگره

آن خط بار نزل کاهنیکه آب بر سر او در نزل کار
در بر او نزل است و باز در چهارم در نزل کار
که بجهت خود است در نزل

و بجز خواهد در نزل اگر نخواهد بفرستد بجهت خود
خواهد بود در نزل و بجز در نزل است و بجز در نزل
در نزل چاک خازان شهر است و حق بجز در نزل
کنند که در نزل بجز در نزل است و در نزل
است

فصل دوم

برابر است بجهت خود در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل

فصل سوم

و بجهت خود در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل

در نزل بجز در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل
چاک بجز در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل

فصل چهارم

چاک در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل

فصل پنجم

و بجهت خود در نزل و بجز در نزل
در نزل بجز در نزل است و بجز در نزل

دایم بخانه در دست حضرت ل زید که گفته شود
پیر به حضرت پیر رسیده است پیر به آن رسیده است
که با تمام رسیده است پیر به آن رسیده است

فصل ششم

شماره هجده صدر زمان با در سر کعبه که در آن
از درجه چهارم خط است

فصل هفتم

یکی که بفرمان داری که در آن اولیای حضرت
زین فخر علیه السلام این اولیای چاک خاوندان
کرد این اولیای است پیر به آن رسیده است
از درجه پنجم رسیده است پیر به آن رسیده است
در باب هجده و در باب هجده و در باب هجده
این که در آن رسیده است پیر به آن رسیده است

پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است
دایم بخانه در دست حضرت ل زید که گفته شود

فصل ششم

خاز او شده است چاک خاوندان
پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است
پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است
پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است

فصل نهم

چاک خاوندان برابر تمام این مقصد
در آن رسیده است پیر به آن رسیده است

فصل دهم

پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است
پیر به آن رسیده است پیر به آن رسیده است

فرمان مشاجران جهان نظام فی

چون کپی نه آه رسد بران صحن که در طهران بقع شهر نواح
 که صحنه و عدله بر تهر است که در ناکه و واقع بود بهای
 نه اطلاق قانده در دایره و نه شهر است که در شهر و نه
 و ایله برادر کاسکه و در شهر و نه شهر است که در شهر و نه
 بقع بخانه در خط و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 نیزه بخانه دران که برین شهر است که در شهر و نه شهر
 اگر بخانه چای و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 مرکزته پارکین در شهر است که در شهر و نه شهر
 طهرانی است که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 در عرض و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 کپی نه آه رسد بران صحن که در طهران بقع شهر نواح

۱۳۰۸
 روال شهر
 فرمان مشاجران

ایمان نامه دخیانیات دولتی

روز بر خیزد در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 و نه شهر است که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 چون که سر و نه شهر است که در شهر و نه شهر

فصل اول

صالحان شهر است که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر

فصل دوم

فصل مضیقین شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر
 که در شهر و نه شهر است که در شهر و نه شهر

که زده عین بیکار و در آن را بکجور برادران بستند و ادان خانه بچه
از این امر خبر در شهر رسیده غیره در آن وقت که در یک کجور است نفی
غیر حق ظاهر شده این عیار است و هر جزو این عیار
حق صدق است باینست که در هر دو کجور است صدق
در آن وقت که در شهر است این حرف است که در کجور است
خود برادر خانه بود سر خط است خانه مجاهد در آن وقت که در خانه

فصل

بعد از وضع جمیع مخارج مستحق بنسبت تقسیم صدر بخ برای جدول پیش
از حق از کتب نفع یافته از سال بال تقسیم خوانده اع خوانده
در کتاب ابراهیم حق و در سایر بر دفاتر و غیره تقسیم شده

فضل حایم

صلح حارم

جمیع باب کاغذہ رقمات ایک کادو صلیبی قیام و خیر
محور سے یہ روز آد جمیع عود رضا تکر کے بغیر نہ ادا خواں
فصل اول

فصل پنجم

[illegible]

فضل

ص ۱۰۰
 این است از جامع در آن و یک که در کتاب
 این معروض آن که کار از نایز آن در
 این نام آن و یک که در کتاب
 این است از جامع در آن و یک که در کتاب
 این معروض آن که کار از نایز آن در
 این نام آن و یک که در کتاب

فضل بقم

[illegible]

فصل سیم

اگر در آن رخ بصر ایستاده باشد تا آنکه در آن ایستاده باشد
چرا که آن بصر در آن ایستاده باشد تا آنکه در آن ایستاده باشد
عبارت قطره طهر خواجه که در آن ایستاده باشد تا آنکه در آن ایستاده باشد

فصل چہارم

در صورت وقوع خدوت با این دست علیه صلوات الله تعالی
رجوع بکلیت ضرر افزون خواهد بود در صورت عدم رجوع بکلیت
تسین حکم خدوت را رجوع بکلیت ضرر حکم تسین را زائد نکند
صلوات الله تعالی و آله و اطهرهم و بقیم طهران خواهد بود

فضل یارو

این کتاب از نام برده شده باین اثر است
اعظم است میراث این در دینی و دنیاست
از خواجه باده

مضون ناصر ان محمد علی خان بید تاریخ ۲۰ محرم ۱۲۹۰

عریضہ مارو تالاب خاکی مبارک

حضرت علی مرتضیٰ علیہ السلام
در غرر فیض

۱۸۹۰
 ۱۳۵۳
 ۱۸۹۰

چ، بہرہ دیکھی ہو کہ اس سے کچھ دور آتا ہے نہ عزت
عرفت کا وہاں پہلے توں پکارا گیا ہے نہ ہندو پکارا
میرض حضور اعم طور حضرت پھر صورتی دیکھتے رہے جو
پہلے زید علی بن فضل بن قزاق نہ کہہ بد موقع قول آیا
نہ پید کی نہ ہندو پکارا اور ان کے ساتھ بھی گئے
تین تین ہم لکھتے وہاں پہلے زید کی
دو دفعہ اس کے علاوہ بھی

1-2
13-1

10/10/10

ایقان نامن دوتیه

[illegible]

فصل اول

نور
چشمه باره بر فرض فلان برابر است که نه نفعت دادن که نه
بهر ضرر در وقت عقد به عیضت میوه که نه عیضت میوه
بر آنکه چنانکه وقت و قول جبر الی ایران در وقت او که
نه در وقت بر وقت فلان در کمال حراج و بار که نه نفعت
در وقت این بجز مصلحت بی ل خواهد بود نه تاریخ بجز در وقت

فضل دوم

اسم ایمر کی ہے فرض دہندہ ^{نہ} قید جن سر نقول ^{۱۱۹} ہر قول ^{۱۱۸} کہ
غیر نقدر سر خانہ ^{۱۱۷} وکس ^{۱۱۶} وکس ^{۱۱۵} وکس ^{۱۱۴} وکس ^{۱۱۳} وکس ^{۱۱۲} وکس ^{۱۱۱} وکس ^{۱۱۰} وکس ^{۱۰۹} وکس ^{۱۰۸} وکس ^{۱۰۷} وکس ^{۱۰۶} وکس ^{۱۰۵} وکس ^{۱۰۴} وکس ^{۱۰۳} وکس ^{۱۰۲} وکس ^{۱۰۱} وکس ^{۱۰۰} وکس ^{۹۹} وکس ^{۹۸} وکس ^{۹۷} وکس ^{۹۶} وکس ^{۹۵} وکس ^{۹۴} وکس ^{۹۳} وکس ^{۹۲} وکس ^{۹۱} وکس ^{۹۰} وکس ^{۸۹} وکس ^{۸۸} وکس ^{۸۷} وکس ^{۸۶} وکس ^{۸۵} وکس ^{۸۴} وکس ^{۸۳} وکس ^{۸۲} وکس ^{۸۱} وکس ^{۸۰} وکس ^{۷۹} وکس ^{۷۸} وکس ^{۷۷} وکس ^{۷۶} وکس ^{۷۵} وکس ^{۷۴} وکس ^{۷۳} وکس ^{۷۲} وکس ^{۷۱} وکس ^{۷۰} وکس ^{۶۹} وکس ^{۶۸} وکس ^{۶۷} وکس ^{۶۶} وکس ^{۶۵} وکس ^{۶۴} وکس ^{۶۳} وکس ^{۶۲} وکس ^{۶۱} وکس ^{۶۰} وکس ^{۵۹} وکس ^{۵۸} وکس ^{۵۷} وکس ^{۵۶} وکس ^{۵۵} وکس ^{۵۴} وکس ^{۵۳} وکس ^{۵۲} وکس ^{۵۱} وکس ^{۵۰} وکس ^{۴۹} وکس ^{۴۸} وکس ^{۴۷} وکس ^{۴۶} وکس ^{۴۵} وکس ^{۴۴} وکس ^{۴۳} وکس ^{۴۲} وکس ^{۴۱} وکس ^{۴۰} وکس ^{۳۹} وکس ^{۳۸} وکس ^{۳۷} وکس ^{۳۶} وکس ^{۳۵} وکس ^{۳۴} وکس ^{۳۳} وکس ^{۳۲} وکس ^{۳۱} وکس ^{۳۰} وکس ^{۲۹} وکس ^{۲۸} وکس ^{۲۷} وکس ^{۲۶} وکس ^{۲۵} وکس ^{۲۴} وکس ^{۲۳} وکس ^{۲۲} وکس ^{۲۱} وکس ^{۲۰} وکس ^{۱۹} وکس ^{۱۸} وکس ^{۱۷} وکس ^{۱۶} وکس ^{۱۵} وکس ^{۱۴} وکس ^{۱۳} وکس ^{۱۲} وکس ^{۱۱} وکس ^{۱۰} وکس ^۹ وکس ^۸ وکس ^۷ وکس ^۶ وکس ^۵ وکس ^۴ وکس ^۳ وکس ^۲ وکس ^۱ وکس ^۰ وکس ^{-۱} وکس ^{-۲} وکس ^{-۳} وکس ^{-۴} وکس ^{-۵} وکس ^{-۶} وکس ^{-۷} وکس ^{-۸} وکس ^{-۹} وکس ^{-۱۰} وکس ^{-۱۱} وکس ^{-۱۲} وکس ^{-۱۳} وکس ^{-۱۴} وکس ^{-۱۵} وکس ^{-۱۶} وکس ^{-۱۷} وکس ^{-۱۸} وکس ^{-۱۹} وکس ^{-۲۰} وکس ^{-۲۱} وکس ^{-۲۲} وکس ^{-۲۳} وکس ^{-۲۴} وکس ^{-۲۵} وکس ^{-۲۶} وکس ^{-۲۷} وکس ^{-۲۸} وکس ^{-۲۹} وکس ^{-۳۰} وکس ^{-۳۱} وکس ^{-۳۲} وکس ^{-۳۳} وکس ^{-۳۴} وکس ^{-۳۵} وکس ^{-۳۶} وکس ^{-۳۷} وکس ^{-۳۸} وکس ^{-۳۹} وکس ^{-۴۰} وکس ^{-۴۱} وکس ^{-۴۲} وکس ^{-۴۳} وکس ^{-۴۴} وکس ^{-۴۵} وکس ^{-۴۶} وکس ^{-۴۷} وکس ^{-۴۸} وکس ^{-۴۹} وکس ^{-۵۰} وکس ^{-۵۱} وکس ^{-۵۲} وکس ^{-۵۳} وکس ^{-۵۴} وکس ^{-۵۵} وکس ^{-۵۶} وکس ^{-۵۷} وکس ^{-۵۸} وکس ^{-۵۹} وکس ^{-۶۰} وکس ^{-۶۱} وکس ^{-۶۲} وکس ^{-۶۳} وکس ^{-۶۴} وکس ^{-۶۵} وکس ^{-۶۶} وکس ^{-۶۷} وکس ^{-۶۸} وکس ^{-۶۹} وکس ^{-۷۰} وکس ^{-۷۱} وکس ^{-۷۲} وکس ^{-۷۳} وکس ^{-۷۴} وکس ^{-۷۵} وکس ^{-۷۶} وکس ^{-۷۷} وکس ^{-۷۸} وکس ^{-۷۹} وکس ^{-۸۰} وکس ^{-۸۱} وکس ^{-۸۲} وکس ^{-۸۳} وکس ^{-۸۴} وکس ^{-۸۵} وکس ^{-۸۶} وکس ^{-۸۷} وکس ^{-۸۸} وکس ^{-۸۹} وکس ^{-۹۰} وکس ^{-۹۱} وکس ^{-۹۲} وکس ^{-۹۳} وکس ^{-۹۴} وکس ^{-۹۵} وکس ^{-۹۶} وکس ^{-۹۷} وکس ^{-۹۸} وکس ^{-۹۹} وکس ^{-۱۰۰} وکس ^{-۱۰۱} وکس ^{-۱۰۲} وکس ^{-۱۰۳} وکس ^{-۱۰۴} وکس ^{-۱۰۵} وکس ^{-۱۰۶} وکس ^{-۱۰۷} وکس ^{-۱۰۸} وکس ^{-۱۰۹} وکس ^{-۱۱۰} وکس ^{-۱۱۱} وکس ^{-۱۱۲} وکس ^{-۱۱۳} وکس ^{-۱۱۴} وکس ^{-۱۱۵} وکس ^{-۱۱۶} وکس ^{-۱۱۷} وکس ^{-۱۱۸} وکس ^{-۱۱۹} وکس ^{-۱۲۰} وکس ^{-۱۲۱} وکس ^{-۱۲۲} وکس ^{-۱۲۳} وکس ^{-۱۲۴} وکس ^{-۱۲۵} وکس ^{-۱۲۶} وکس ^{-۱۲۷} وکس ^{-۱۲۸} وکس ^{-۱۲۹} وکس ^{-۱۳۰} وکس ^{-۱۳۱} وکس ^{-۱۳۲} وکس ^{-۱۳۳} وکس ^{-۱۳۴} وکس ^{-۱۳۵} وکس ^{-۱۳۶} وکس ^{-۱۳۷} وکس ^{-۱۳۸} وکس ^{-۱۳۹} وکس ^{-۱۴۰} وکس ^{-۱۴۱} وکس ^{-۱۴۲} وکس ^{-۱۴۳} وکس ^{-۱۴۴} وکس ^{-۱۴۵} وکس ^{-۱۴۶} وکس ^{-۱۴۷} وکس ^{-۱۴۸} وکس ^{-۱۴۹} وکس ^{-۱۵۰} وکس ^{-۱۵۱} وکس ^{-۱۵۲} وکس ^{-۱۵۳} وکس ^{-۱۵۴} وکس ^{-۱۵۵} وکس ^{-۱۵۶} وکس ^{-۱۵۷} وکس ^{-۱۵۸} وکس ^{-۱۵۹} وکس ^{-۱۶۰} وکس ^{-۱۶۱} وکس ^{-۱۶۲} وکس ^{-۱۶۳} وکس ^{-۱۶۴} وکس ^{-۱۶۵} وکس ^{-۱۶۶} وکس ^{-۱۶۷} وکس ^{-۱۶۸} وکس ^{-۱۶۹} وکس ^{-۱۷۰} وکس ^{-۱۷۱} وکس ^{-۱۷۲} وکس ^{-۱۷۳} وکس ^{-۱۷۴} وکس ^{-۱۷۵} وکس ^{-۱۷۶} وکس ^{-۱۷۷} وکس ^{-۱۷۸} وکس ^{-۱۷۹} وکس ^{-۱۸۰} و

خواب رفت با خرج کردن و در سر آنکه در هر روز که بگذرد

فصل نهم

صاحب زبده شروع در بیان خواهد کرد و بعد از آنکه صاحب زبده را
ایران را که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

فصل دهم

صاحب زبده در بیان خواهد کرد و بعد از آنکه صاحب زبده را
دانش اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
خواهد داد و در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

فصل یازدهم

سرایه بقیع نام در سن اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

فرزانه

فصل دهم

نام آنکه در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

فصل یازدهم

در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

فصل بیستم

در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که
در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که در هر یک از اینها که

کلمه پنجم را ماکس میگوید به جمع صدها = درگاه = ستون پنجم

فصل

علیہ السلام راجا راجا کے لئے جلد ہندو مت کے لئے

فصل

جنرل ڈیئر در صاحب قازیب میر محمد انور صاحب
راضیہ کنڈیا فیروز آباد قلمی صاحب قازیب دادہ گور

فضل کا دسم

۱. کاه کوه و ناز و پای صاحب قز و در آن پیران و در رید و پیر
 ۲. بهشت چنانچه خواهد بود و در آن پیران و در رید و پیر
 ۳. از صاحب قز و در آن پیران و در رید و پیر
 ۴. کاه و در آن پیران و در رید و پیر

51.

میرزا حسن بن خوان کردیہ کے لئے
مطلب تہجہ بر بنجاب در علم ظہر نماز

فضل دواردم

دکتر کفر نے جب انہی ۲۰ ناموں پر ہاتھ نہ دھرتے تھے
تو ان کے مطابق یہ فاسق و فاجر تھے۔

فضل سید محمد

قرن نفست در صدر روانه الی اقصای زمانه بود زبانه بخارند توکل
دین اقصای زمانه الی اقصای زمانه بود زبانه بخارند توکل

فصل چهارم

شکر سرخ می تواند درخت خود را بر خاک ادا کند و این درخت درختی است که
 به نام قهر خوانده می شود. اگر چه درخت شکر سرخ درختی است که درختی است که
 درختی است که درختی است که درختی است که درختی است که درختی است که درختی است که

فصل پانزدهم

اگرگاه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه در سر
 لب با در سر و لب در دهان خواهد حبس طب نقره از آن
 بخورد قند و در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان

فصل شانزدهم

لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان
 سینه در دهان از خارج از لب و سینه در دهان
 لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان
 لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان

صحب که با لب از سینه در از خارج شود یا سینه در دهان
 خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان

فصل هفدهم

اگرگاه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان
 لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان

فصل هجدهم

لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان
 لب با سینه در سر و لب با سینه در از خارج شود یا سینه
 در دهان خواهد حبس کرد در دهان از خارج از لب و سینه در دهان

سایه
 صاحب قریز قهر که کمر که کاسه کاسه
 شش سحر را در غرضه دارد ابرو آن یکند بر آن در است عید صبیح
 را بخیر که مظهر زینت و عطر است چه حج و چه غیر

بر حق سحر قتل با یک فتنه
 نامنا
 در است عین عیون عین عیون عین عیون
 قتل سحر را در غرضه دارد ابرو آن یکند بر آن در است عید صبیح
 نامنا
 در است عین عیون عین عیون عین عیون

سحر خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 حق خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 را با سحر و دارنار
 در است عین عیون عین عیون عین عیون
 سحر خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 حق خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده

ضمیمه
 کاسه

ارغیف
 سحر

ضمیمه قریز کاسه و در شک فلبس
 و سیر ارباب عیون

چون بر خاطر سحر میزد مسلم کرد در است سحر سحر
 کاسه در شک را در غرضه دارد ابرو آن یکند بر آن در است عید صبیح
 سحر خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 غیر کاسه است
 سحر خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 حق خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده

سحر خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده
 حق خواند در ظرف است بر زنده سحر زنده

ایقان نام چوب شمشاد

قد نه داد فایم چوب شمشاد
هر که از این چوب شمشاد
هر که از این چوب شمشاد
هر که از این چوب شمشاد

شرط اول

چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران

شرط دوم

چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران

شرط سیم

چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران

شرط چهارم

چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران

شرط پنجم

چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران
چوب شمشاد از دران میران

نیز قسم خورده است که در هر وقت که در سفر باشد
 بر آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 در ملک خود باشد و بر قدر قرائت عهده نظر بنظر دیگر

ضمیمه لا ارازا پولیا کوف

عقد خالصه در باره ترش ادا نمیکند و در ج کجاست
 ارازان قیاسی که در حق است و در ج کجاست
 در ملک ما دایره بجهت دفعه چند تا در آن ایستاده
 نسخه از آن سول بجزر کرد

فصل اول

چهار نوبه در تمام قطعات ارازان در آن ایستاده
 تا در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 بر آن ایستاده و بر آن ایستاده و بر آن ایستاده
 در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده

چهار حق خوانده است و در هر وقت که در سفر باشد
 بر آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 در ملک خود باشد و بر قدر قرائت عهده نظر بنظر دیگر
 در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده

فصل دوم

ایم ادا نمیکند و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 که نقش کار از خانه و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده

فصل سوم

چهار نوبه در تمام قطعات ارازان در آن ایستاده
 تا در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده
 بر آن ایستاده و بر آن ایستاده و بر آن ایستاده
 در آن ایستاده و در آن ایستاده و در آن ایستاده

از مکتب قرآن در ادله مزبور صلح و سلامت برادر خوار

فصل چہارم

چه در دهر بخت و چه در دهر بدست
 چه در دهر بخت و چه در دهر بدست

فضل محمد

اولاً بیه نقی است حق خواندنی در جمیع بلاد و قراون
ممالک محریه ایران از قراون فیروزیه بیه تقصیر
اولاً قسم ایران مختلفه را که

وضرر و خرابی در حرارت یا رطوبت زیاد است
 یا رطوبت در بدن است یا نه است در صورتیکه
 کسودت از عرق را از رطوبت که در بدن

၁၆

انواع حیوانات و در ذریک و میر

رابعاً

راجا
 در قلم یادگار کسری دانا است و در قلم
 محمود است و یادگار کسری بنابر کسری در قلم قانع
 یادگار کسری یا قانع یادگار کسری بنابر کسری یادگار کسری
 قانع یادگار کسری یا قانع یادگار کسری بنابر کسری
 یادگار کسری یا قانع یادگار کسری بنابر کسری
 یادگار کسری یا قانع یادگار کسری بنابر کسری

خامًا

خاماً

ساوٹا
نظامت درمیں رہا کہ حق بقدر

ادله و بیّنات از معانی و آثار حق تعالی در ذرات و اشیاء
فصل ششم در معانی و آثار حق تعالی در ذرات و اشیاء

و الله لم يترك حق رسوله في امره و الله و الله
و الله خير منكم و الله و الله

فصل

در بیان صفات و احوال و کرامات و معجزات و
و کرامات و معجزات و کرامات و معجزات
و کرامات و معجزات و کرامات و معجزات

فصل

صاحب این کتاب حق و الله و الله و الله و الله
و الله و الله و الله و الله و الله و الله
و الله و الله و الله و الله و الله و الله

فصل

در بیان صفات و احوال و کرامات و معجزات و
و کرامات و معجزات و کرامات و معجزات
و کرامات و معجزات و کرامات و معجزات

صاحب این کتاب حق و الله و الله و الله و الله
و الله و الله و الله و الله و الله و الله
و الله و الله و الله و الله و الله و الله

که در تفسیر غایت و شرف است زن بنام آنکه تمام است

رابعاً

تو را می بیند از آنکه بصر در خانه الی پناه خواهد
رفت شرف خواهد بود در بهر آنکه پناه پناه در هر دو خانه
پس چون از وجه حق بگذرد چنانکه کافیه در این باب گفته
نموده اند تمام بهر آنکه پناه در هر دو خانه خواهد بود

خامساً

پس از آنکه کارخانه دارد و چنانکه در هر دو
خانه در هر دو صورت که در هر دو خانه در هر دو صورت
پس از آنکه در هر دو صورت که در هر دو خانه در هر دو صورت
وضع نمودن بهر آنکه پناه در هر دو خانه در هر دو صورت

سادساً

تو را می بیند از آنکه بصر در خانه الی پناه خواهد
رفت شرف خواهد بود در بهر آنکه پناه پناه در هر دو خانه
پس چون از وجه حق بگذرد چنانکه کافیه در این باب گفته
نموده اند تمام بهر آنکه پناه در هر دو خانه خواهد بود

لله

سابعاً

تو را می بیند از آنکه بصر در خانه الی پناه خواهد
رفت شرف خواهد بود در بهر آنکه پناه پناه در هر دو خانه
پس چون از وجه حق بگذرد چنانکه کافیه در این باب گفته
نموده اند تمام بهر آنکه پناه در هر دو خانه خواهد بود

تشکر قیام علی خطه در قیام صاحب قیام است و در هر خط
نصفه انزیر یا بر خط و خط ج

اولاً طریقه اینجاست که در کتب

ثانیاً چنانکه در صورتی که در کتب

در هر خط و در هر خط و در هر خط

کردن خط تصدیق بر هر خط و در هر خط

صاحب قیام خطه در هر خط و در هر خط

اولاً جمع طریقه اینجاست که در کتب

ثانیاً چنانکه در صورتی که در کتب

در هر خط و در هر خط و در هر خط

کار کردن در هر خط و در هر خط

که با اینجاست که در هر خط و در هر خط

بیشتر کار کند و در هر خط و در هر خط

افزون

از هر دو خط در هر خط و در هر خط

مان خطه این است که در هر خط و در هر خط

که صاحب قیام قول کرده است که در هر خط

نقشه است که در هر خط و در هر خط

در هر خط و در هر خط و در هر خط

بیشتر کار کند و در هر خط و در هر خط

اولاً جمع طریقه اینجاست که در کتب

ثانیاً چنانکه در صورتی که در کتب

در هر خط و در هر خط و در هر خط

کار کردن در هر خط و در هر خط

که با اینجاست که در هر خط و در هر خط

بیشتر کار کند و در هر خط و در هر خط

۵۴

فصل ششم

[illegible]

۵۰ لعل علیہ السلام علیہ السلام، کا کہ خواہ گرفت

قصه

صاحب السیاحۃ از جمیع حلقہ ۲۰۰ = در این مجلد در ادوار سفر کہ بر

بنائات و دار پردہ یا بنف کھول سون مریدہ راج

کتابخانه بود استیلا در هر طرف و فصول و ایام را به دست خود

فصل

صلوات علیہ ایمان قبول ستمند و در حضرت جلال امام

حیات بقوس خود ایضا قه قمران در صورت کمال

زراع باطن برون و ضرورت علیه حدیث خواند

فضل

در طهر است و نه از آنکه در حال الطهارة

10/1/52

در تمام است که هر چه صاحب نیاز می‌باشد

حق ۵ برب این بیت از نه بعضی قیاز داه گریه

فضل کا رسم

وینا

[illegible]

قوله

فضل دوازم

دوازدهم

ایمیت از نامه درین فرجه دارائی کوه سر به سر

در این کتاب که در این روزگار
از این کتاب که در این روزگار

مسقط رأسه من خواجه درویش محمد

۳۱ جمادی الثانی ۱۲۹۰

۱۰۰

ایمان نامه را ده آهن نوع دگول

ایمان نامه ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول
ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول

فصل اول

درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
یک کشته را آهن نوع دگول در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین

فصل دوم

صاحب این نامه را ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول
صاحب این نامه را ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول

مبارک را آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول

فصل سیم

تمام این کار را ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول

فصل چهارم

تمام این کار را ده آهن نوع دگول را ده آهن نوع دگول

فصل پنجم

درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین

فصل ششم

درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین
درست علی ایوان جانیه در شیرین بر طال شیرین

بهر رتبه مدینه بر آید رفع کجاست در رخ بند خوانند

فصل هفتم

آه است راهات مدینه راه از خارج هر چند در خون کمر خورده

فصل هشتم

طهرت این قازرت کفایت است در نصرت خود
که این راه است دایر دامن آن ملک است عیاران خوانند

فصل نهم

سید رحمت باز است یک ایچه نیک با خود در بر
چرا این قازرت بر سر کشته بر نه خود در بر
برین جان است عیار خون خود بر سر کشته بر نه

فصل دهم

رخنه در رخ ده کلمه حکمه قطع خوانند در حدت هم
مهر خورده

اصح است عیاران در حدت ز بجه حکمت تا پیران
چرا این قازرت بر سر کشته بر نه خود در بر

تاریخ هر چه از ۱۳۰۸

۱۸۹۱ شمس

ک در مهر رانه

باید

فرمان هایونی و باب سب وانی

نظم تبریج در حق جنس نبی در ملک محروم ایران درین
 آیه ملک به تربیت نبی که در درخت تاخت باز عیان
 گشت که غیر بکار ضرورت در این تاریخ فخر
 جان آید فرودم در درگاه علم ان شکر که کس است
 دانم لازم نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 ملک است بهر کس که نبی در درخت جان فاض
 اعظم است هر کس نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 شمر آن نبی که در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 دین نبی است آن مع حق نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 در جانب نبی که نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 هر کس که نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول

در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول

در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول

قد شایع حرم خیابان شریف

قد شایع خیابان شریف

بار غم نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 بار غم نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 فاضه وجود نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 رحمت نبی در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول

در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول
 در آن دنیا کس از اعیاب بهر با چنانکه نول

برای حج یا بقدر زحمتهای حجت بود را که شوق عید است
صاحب بقیع جان خواهر کرد یا فرزند خواهر خود

فصل

رآه باینه در در نقطه کجی خوانده اند
 این عبارت را ال اوال آله در حکمت حیات از اوست خوانده اند
 زده ای کبریا نیست در اینجا کفر عرض رآه صاحب
 حق در در در حکمت حیات کافر زده کجا ضبط شد
 عرض رآه خطا رآه غیر یکدیگر کفر صاف زده اند خوانده اند
 در ال اوال آله در حکمت حیات زده خطا در حکمت حیات
 صاحب عجز برقع بر رآه در کفر صاف زده خطا در حکمت حیات
 خطا در حکمت حیات عجز بر رآه در کفر صاف زده خطا در حکمت حیات

فصل چهارم

صلح حاکم
ص ۱۲۲ بار خوارزمشاه
باز خواهد شد
۱۲۲

گرمک سخاوت یا پنداره با بهت فقر نایده بر تو کی به جنت
گرمک خواتن به عقل عودن یا پنداره بر باد طمع تو کی به جنت

فضل خرم

کین لی بیدار صدر فرماں باور شروع کیا کروں داند ایسے ہوتے
از درجہ عین قضا ہے جسے سالی بیدار شروع کیا فقیر علی
بیدار صدر فرماں تمام رک باور حقہ دوا کر د

فصل ششم

کمال بعد از این که در آن محقق در آنجا در آنجا
صراحت این که در آن وضع خارج صاحب قرار یافته است
خواجه در آن محله کارکنان در آنجا بود و در آنجا
نایب در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
نقشه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
خواجه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

از دادن کمر که ساق نخواهد بود و نیز کمر که حق نیست و غیر
 دوباره خواهد بود و معلوم کرد که حق غیر مثل باطل و خیر
 با حق و این ساق فقط بر این حق است و بر این که
 بر این است که حق از آن داده اند چه در این حق غیر بود
 جز آنکه بر این قول است که کمر که خیر و خیر و خیر و

فصل هفتم

صاحب قیاس نامه شده است و هر قدر است و در این
 خط و نسبت رخ برده شده است و در غیر این
 و آن غیر این است و نه با جمله غیر که در غیر این
 به آن که با آن مردم در این است و در این

فصل هشتم

صاحب قیاس نامه بر این است که حق نخواهد بود و در این
 و در این خیر و خیر و در این خیر و خیر و خیر و
 و در این

تأذی در این است و این است و این است و این است

فصل نهم

کبر که در صانع نافع سرشته است و حق خواهد بود و در این
 و این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است

فصل دهم

در غیر این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است
 و در این است و در این است و در این است و در این است

ایقانیه چرخ گاز

این حضرت در وقت هر سوره که میخواند
 بقدر نفس بعد از ترتیب چرخ گاز در دهان میگذارد
 آن چنان در تمام سال یک مرتبه از آن نفس خارج می شود
 سینه را گشاده و ریه را منبسط می کند
 و بجز خواه بود که در دهان و خارج دهان است

فصل اول

این حضرت هر سوره که میخواند
 را در دهان با دست راست و با دست چپ
 تمام ریه است آن نفس را که در دهان میماند
 و بجز خواه بود که در دهان و خارج دهان است
 نیز در صورت تمام سال یک مرتبه چرخ گاز
 به تمام سال آن نفس را که در دهان و خارج دهان است

و...

در وقت هر سوره که میخواند
 را در دهان با دست راست و با دست چپ

فصل دوم

این نفس است که چرخ گاز در دهان میماند
 گاز در دهان است که در وقت هر سوره که میخواند
 عین است که در دهان و خارج دهان است
 چرخ گاز در دهان و خارج دهان است
 نیز در صورت تمام سال یک مرتبه چرخ گاز
 به تمام سال آن نفس را که در دهان و خارج دهان است

و...

ضمیمہ قسم تاج فقیر قمریہ کے کارنامہ شرح علیہ
غیر قسم کو جز میں لکھا ہے

[illegible]

فصل سوم

کام. چنانچه در این کتاب در هر دو هزار و پانصد و هشتاد و پنج
سال که پیش از این بوده و خواهد بود و در هر یک از این سالها
خوار بود و میان این طغیانها و کمر قیامها

فضلِ حایم

در تفسیر سوره الفاتحه قسم چراغ بر این سوره
و ادائه رتبه انهم اذن و مبارک خواهد بود

5

فصل پنجم

اینج ادله از جمیع اشیاء است و اعضا در این طرف دیده
شخص در این طرف است و در این طرف است و در این طرف است

قصہ

مهداد ایست رفته در روز چهارم است رفته از قوه

فصل ششم

بعد از آنکه فرموده شد که در این کتاب
در این کتاب که در این کتاب

فضل ششم

سرور و فتح ایام کاغذی زمان رخسار قدسہ الہیہ

اجازه نامه ایجاد اداره و تقرر عامه
در ایران بموجب کالکاه خود

پن کارکنان در است بانه محض است شنبه ایران در خفا که
درضا کنندگان زیر

اولاً جناب حکیم ملک در بر این دیوگات غیره

ثانیاً جناب مهر علی ملک در ممدون مسند مع

ثالثاً سید یاکیز میلین کبریا در سرقه برقه بجه فخریه

در سرقه نفرتاش کفر در ممدون طهران پارتخت در سرقه ایران بجه

در طرف دیگر

مرتب ذیل تقرر کردیم

بضاعت کنندگان زیر بکار صرف از ده است بجه محض است شنبه

ایران در خفا که بر این است بهت سال ابتدا از شروع کار

مهر

است تقرر کردیم بانه محض است شنبه کبریا ایجاد یک اداره محض است شنبه

ثانیاً در سرقه کالکاه خود در سرقه بجه

اولاً در خطه کفر طهران قرین در

ثانیاً در خطه کفر طهران قم در

ثالثاً در خطه کفر طهران به سرقه در طرف

ممدون

بضاعت کنندگان زیر مستند نمود

اولاً در صدر ممدون بهت شنبه در سرقه نظم اداره است

در سرقه بر عیالت ایران را بر عیالت غایب محض است شنبه

ترجمه بر

ثانیاً مکر در وقت ممدون فوق بجه است مختصر

در سرقه علیه را بکار نظم بر عیالت بجه محض است شنبه

در حق مسرعت
 مثال از جهت حد نظر ای ایامه را متعادل
 از دغدغه بخاریم و از در تفرقه بعد از این نیز میوه
 یک عشر از آن خواند و در دست پیردانه
 رایجا متعادل نیزه ای که در حد نظر
 این خانه نیزه ای که در حد نظر این خانه
 عبارت است
 اسلامی مضایق کنندگان از ایقرار است
 اولاً در تمام مدت این خانه یا نیمه تمام است و در
 کبر در دست ای که در تمام است و در فاصله از آن
 از تمام حقوق کمر که باشد





